

کافه
خاطره صبا؛
گفت‌وگو با محمد
حاتمی بازیگر سینما
و تلویزیون و تئاتر

حاتمی کیا

مرا به ریسک کردن دعوت کرد

احمد محمد اسماعیلی
گفت‌وگو

بسیاری از بازیگران در سینما و تلویزیون ایران هستند که در قالب «سلبریتی» تعریف نمی‌شوند؛ یعنی نه دنبال جنجال و حاشیه‌اند و نه حضور پررنگی در رسانه‌های زرد دارند. با این حال، نقش آفرینی‌هایشان در فیلم‌ها و سریال‌ها چنان تأثیرگذار و چشمگیر است که نمی‌توان نادیده‌شان گرفت. یکی از این چهره‌ها محمد حاتمی است. بازیگری که در چهار دهه فعالیت هنری‌اش، نقش‌های ماندگار و متعددی را به یادگار گذاشته و هر بار با حضورش به اثری که در آن ایفای نقش کرده، اعتباری تازه بخشیده است. حاتمی حضوری جدی در عرصه تئاتر نیز دارد و تنها به بازیگری بسنده نکرده است. او از موسسان گروه تئاتر «جم» به‌شمار می‌آید؛ گروهی که نقش مهمی در جریان‌سازی تئاتر معاصر ایران ایفا کرده است. در کنار بازیگری، تجربه‌های ارزشمندی در کارگردانی نیز دارد و بسیاری او را در زمره بزرگان این عرصه می‌دانند. هنرمندی که توانسته میان دو وجه «بازیگر» و «کارگردان» پلی عمیق و ماندگار بزند. کارنامه او سرشار از همکاری با کارگردانان برجسته‌ای است که هر یک بخشی از تاریخ سینما و تئاتر ایران را ساخته‌اند. همکاری با نام‌هایی چون ابراهیم حاتمی‌کیا، پری صابری، سعید سهیلی‌زاده، سیاوش طهمورث و بهروز غرب‌پور، نشان‌دهنده اعتماد این بزرگان به توانایی‌های او است. این همکاری‌ها نه تنها تجربه‌های مهمی برای حاتمی رقم زده، بلکه برای مخاطبان نیز لحظات درخشان و خاطره‌انگیزی را خلق کرده است. مروی بر کارنامه او نشان می‌دهد که تنوع آثارش، هم در حوزه سینما و هم در تئاتر، چشمگیر است. در سینما، بازی در فیلم‌های مطرحی چون «آژانس شیشه‌ای» و «باد یکبارده»، او را در کنار بزرگ‌ترین چهره‌های بازیگری و کارگردانی ایران قرار داد. در تئاتر، حضور در نمایش‌هایی چون «پرواز ایگار»، «مرثیه خواب»، «خواب‌گردها»، «تولد دیگر»، «لیبرشاه»، «پروانه‌های آسیایی»، «آنتیگونه»، «معرکه در معرکه» و «هفت شهر عشق»، از او چهره‌ای ساخت که همواره مورد توجه منتقدان و علاقه‌مندان جدی تئاتر قرار دارد. در تلویزیون نیز با ایفای نقش در سریال‌هایی چون «ترانه مادری» و «زمانه»، توانست به دل خانواده‌های ایرانی راه پیدا کند و محبوبیتی فراگیر بیابد. افزون بر این، نمایش «پرواز ایگار» از مهم‌ترین تجربه‌های کارگردانی او محسوب می‌شود که جایگاه ویژه‌ای در کارنامه‌اش دارد. اکنون با او مروی خواهیم داشت بر دوران کاری‌اش؛ دورانی که ترکیبی از پایداری، خلاقیت و عشق به هنر بوده است.

مصاحبه را با شروع فعالیت شما در کانون پرورش فکری آغاز کنیم...

من در محله هاشمی به دنیا آمدم و برای مطالعه کتاب به کانون پرورش فکری می‌رفتم. در ادامه، جذب موسیقی شدم و البته قریحه ذاتی در موسیقی داشتم. در کلاس‌های موسیقی خانم قره‌چداغی در کانون پرورش فکری شرکت کردم. حسین عزیززاده نیز از مربیان کانون بود و من در مقطعی جزو بهترین شاگردهای ایشان به‌شمار می‌آمدم. بعد از بروز اتفاقاتی که برایم خوشایند نبود، از موسیقی جدا شدم. به‌هرحال، کانون به ما فرصت داد تا قدرت انتخاب داشته باشیم و استعدادهایمان شکوفا شود.

چگونه رفتید سمت بازیگری؟ برای نوازندگی در نمایشی دعوت شدم.

چه سازی را می‌نواختید؟

سازهای ارف مثل تنبک می‌زدم و بعدش هم رقصم سمت سازهای زهی مثل تار و سه‌تار. این علاقه تا به امروز با من است و در تمام نمایش‌هایم از موسیقی استفاده می‌کنم و حتی در برخی از آنها نیز ساز نواخته‌ام.

چگونه در نمایش «موش و گربه» حضور پیدا کردید؟

در کانون اعلامیه‌ای برای انتخاب بازیگر منتشر شده بود و من هم

شرکت کردم. آقای عبدالملکی مرا برای این نمایش انتخاب کرد. در همان زمان، حسن دادشکر نیز گروهی در کانون داشت. پیش‌تر هم زیر نظر شهلا یوسفی و رضا فیاضی فعالیت می‌کردم. در نمایش «موش و گربه» فرشته صدرعرفایی نیز حضور داشت. این نمایش بیش از صد اجرا در دانشکده هنرهای زیبا، چند دانشگاه دیگر و همچنین در برخی شهرها داشت و با موفقیت روی صحنه رفت.

چگونه با پری صابری همکاری کردید؟

بعد از انقلاب فرهنگی وارد دانشگاه شدم. در همان زمان پری صابری فراخوانی اعلام کرده بود و در سالن شماره دو تئاتر شهر مشغول انتخاب بازیگر برای نمایشش بود. او اتودی به من و سمیرا سینیایی داد و از کارم راضی شد؛ به طوری که بلافاصله گفت: «فردا ساعت ۹ صبح بیایم تمرین». من از میان حدود ۶۰ نفر پذیرفته شدم. در این نمایش، بهروز رضوی و رضا عطاران هم حضور داشتند. پری صابری شناخت بسیار عمیقی از تئاتر غرب داشت و آن زمان نگاه متفاوت و نوینی در نمایش‌هایش ارائه می‌کرد و آن را با نمایش‌های ایرانی پیوند می‌زد. یاد می‌آید نمایش «شمس پرده» با استقبال زیادی روبه‌رو شد و صد شب در تالار وحدت روی صحنه رفت. آن سال‌ها تالار وحدت عملاً در اختیار و قرق پری صابری و دکتر رفیعی بود.

کدام بازی در نمایش‌های پری صابری برایتان جذابیت بیشتری داشت؟

بازی من در نمایش «آنتیگونه» بسیار برایم جذاب بود. هم نقش «کرنون» برایم اهمیت و کشش زیادی داشت و هم شیوه کارگردانی متفاوت پری صابری تجربه‌ای تازه و فراموش‌نشدنی بود.

مقطعی هم به تدریس پانتومیم پرداختید...

من همیشه به زبان بدن علاقه داشتم و ریشه این علاقه هم به همان دوران حضورم در کانون برمی‌گردد. سال‌ها شاگردی بزرگان پانتومیم را کردم و همین تجربه‌ها باعث شد بعدها خودم هم به تدریس این هنر بپردازم.

در سینما هم با «افسانه آه» تمپینه میلانی کارتان را شروع کردید؟

بله، پیش از آن مدتی در تلویزیون به عنوان گرم‌پر فعالیت می‌کردم و در سریال‌هایی مثل «آپارتمان» حضور داشتم. بعد از آن، از طرف جلال معیریان به تمپینه میلانی معرفی شدم و در فیلم «افسانه آه» بازی کردم.

با ابراهیم حاتمی کیا چگونه همکاری کردید؟

در اواسط دهه هفتاد، آتیلا پسیانی، از دوستان خوبم، با من تماس گرفت و گفت که مسئول انتخاب بازیگران فیلم «آژانس شیشه‌ای» است و از من پرسید آیا علاقه دارم در این فیلم بازی کنم. من موافقت خود را اعلام کردم.

روز اولی که ابراهیم حاتمی کیا را دیدم، از ایشان خواستم فیلم‌نامه را در اختیارم قرار دهد، اما پاسخ داد که نقشم در فیلم‌نامه وجود ندارد. از این پاسخ تعجب کردم و پرسیدم: «پس چرا من را دعوت کرده‌اید؟» حاتمی کیا گفت خواب شخصیتی را دیده که می‌خواهد در فیلم از آن استفاده کند و از من پرسید آیا حاضرم ریسک کنم و در این نقش بازی کنم. بدون تردید موافقت خود را اعلام

